

کلام جدید

ترم اول

مفاهیم معرفتی، بنیادی و مبنایی کلام جدید

جلسه یازدهم: انتظارات بشر از دین – بخش هشتم

مدرس: استاد احسان عبادی – پژوهش گر و مدرس مباحث کلام جدید

تایپ و ویراستاری: محمد جواد اسماعیلی

تاریخ شروع دوره: ۱۴۰۰/۰۱/۰۲

■ بحث انتظار بشر از دین از دیدگاه متفکران غربی - بخش پنجم

■ بررسی نظریات ماکس وبر و نقد آن

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ
نَاصِرًا وَدَلِيلًا وَغِيْنَا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السلام عليك يا مولانا يا صاحب العصر و الزمان، السلام عليك يا بقيه الله في ارضه.

خدایا ، در این لحظه و در تمام لحظات ، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات ، حضرت
حجّة بن الحسن ، که درودهای تو بر او و بر پدرانش باد ، باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست ، و همه از او
فرمانبری می نمایند ، ساکن زمین گردانیده ، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی.

بررسی نظریات ماکس وبر و نقد آن



ماکس وبر در سال ۱۸۶۴ در آلمان متولد شد و در رشته حقوق فارغ التحصیل شد و
در زمینه اقتصاد، فلسفه و الهیات اشتغالاتی داشت و مباحث جامعه شناسی،
اقتصادی و امثالهم را مطرح می کرد. در سال ۱۳۲۰ در ۵۶ سالگی درگذشت.

ماکس وبر در جایگاه یک جامعه شناس دینی، ذات دین، اصول دین، احکام دین و
عقاید دین را خیلی بررسی نکرد، بلکه رفتار دینی، گروه های دینی و تاثیر عقاید

دینی را بر حوزه های دیگر زندگی و بالعکس مطالعه کرد. یعنی مثلا به جای این که مشاهده کند اصول اعتقادی این
دین چیست و ذات این دین چیست، رفتارهای گروه های دینی را مورد بررسی قرار داد. یعنی گروهی که در فلان
کشور هستند و مسلمانند رفتارشان چگونه است. بر اساس رفتارها نسبت به دین نظر داد. مثلا کتاب اقتصاد و
جامعه خود آقای ماکس وبر صفحه ۳ می گوید: جامعه شناسی علمی است که کنش اجتماعی را درک تفسیری
می کند و به یافتن تعبیری علی از ماهیت و آثار آن می پردازد.

جالب است می گوید رفتارهای دینی را هم می توانید این طور تفسیر کنید. در همان کتاب اقتصاد و جامعه می گوید:
می توان روابط انسان ها با نیروهای فوق طبیعی را که به صورت دعا، قربانی و عبادت در می آیند را آئین و دین
نامید. درواقع دین را در یک سری رفتارها مانند دعا و قربانی و عبادت تفسیر کرد. آقای وبر نام نیروهای فوق
طبیعی را کاریزما قرار داده است.

کتاب جامعه‌شناسی دین و اقتصاد جامعه از آقای وبر تقریباً خیلی از مطالب و حرف‌های ایشان را آورده است. در چهار فصل از بخش دینی کتاب اقتصاد و جامعه و چهار فصل هم از فصول ۹ تا ۱۲ کتاب جامعه‌شناسی دین به دو مسئله اساسی می‌پردازد .

دو مسئله اصلی که بدان می‌پردازد یکی مسئله رستگاری انسان و راه‌های تحصیل آن است. از جمله فعالیت‌های دینی، مراسم دینی، کارهای خوب، اعمال صالح، زهد، عرفان، منجی و امثال این مطالب است. مورد دوم پارادوکس و تضاد میان نابه سامانی‌های موجود در دنیا و آفریننده قادر و خیرخواه است. یعنی از یک طرف می‌گوید خدا قادر و خیرخواه است و راه‌حل‌های گوناگونی را در کتب و آئین‌های دینی متصور کرده است، و از طرف دیگر همه چیز عالی است. ما از یک طرف می‌بینیم در این جهان خیلی از نابه سامانی‌ها و ناعدالتی‌هاست و از آن طرف می‌گویید خدا خیرخواه است. این بررسی‌ها را آقای ماکس وبر انجام داده است .



آقای وبر در کتاب جامعه‌شناسی دین خود دین‌داری هفت طبقه گوناگون جامعه را مورد بررسی قرار داده است. دین‌داری دهقان‌ها چه‌طور است، دین‌داری اشراف چه‌طور است، دین‌داری نظامیان، تاجران، پیشه‌وران، بردگان و ... و گفته ویژگی‌های دین‌داری هر گروه با گروه دیگر تفاوت می‌کند و بالطبع انتظارات هر گروهی از دین با گروه دیگر تفاوت می‌کند. یعنی دین را طبقاتی معرفی کرده است .

جالب است وبر این مطالب را تنها در مورد دین نمی‌گوید که فقط مسئله رستگاری و خیر و شر باشد که چه‌طور ممکن است هم خیر و هم شر باشد، بلکه این باور را دارد که دین بر عناصر دنیا مانند اقتصاد، سیاست، هنر، روابط جنسی، رونق و رکود فعالیت اقتصادی هم تاثیر زیادی می‌گذارد. حتی جالب است بدانید که می‌گوید این پروتستان‌تیزم که در مسیحیت ایجاد شد سرمایه‌داری جدیدی را ایجاد کرد. یعنی یک نهضت دینی باعث بحث اقتصادی شد. از آن طرف وبر می‌گوید دستورات اسلام در مسائل اقتصادی قابل پذیرش است و تمام دستورهای

اسلام سیاسی است. این مطلب جالب است. رساله‌ای با نام دین در اندیشه ماکس وبر توسط آقای محمدعزیز بختیاری ترجمه شده که در آن‌جا این مطالب آمده است .

وبر می‌گوید مسیحیت ما زمانی کاتولیگ بود و این نهضت می‌گفت گوشه‌ای بنشینید و عبادت و راز و نیازهایتان را انجام دهید و اصلاً هم نیازی نیست که به امورات دنیایی بپردازید. در حقیقت آن رهبانیت و زهد غیرشرعی است که در زمان اسلام هم داشتیم که به گوشه‌ای می‌رفتند و در مساجد اعتکاف می‌کردند و به زن و خانواده خود رسیدگی نمی‌کردند. پیامبر به آن‌ها معترض شد و فرمود: من که پیامبر هستم زن و نماز و عطر را دوست دارم.

وبر می‌گوید ما در مسیحیت کاتولیگ رهبانیت و زهد غلط داشتیم اما وقتی نهضت پروتستانتیسم توسط مارتین لوتر ایجاد شد دقیقاً امور اقتصادی را مورد توجه قرار دادند و باعث تاثیر در امور اقتصادی شد، چون در قدیم تحصیل ثروت و به دست آوردن ثروت یک عمل شرم‌آوری بود و اخلاق مثبتی نداشت اما بعدها مارتین لوتر که نهضت پروتستانتیسم را ایجاد کرد گفت پرداختن به مشاغل دنیایی یک تکلیف الهی است. اصلاً خدا به شما گفته به امور دنیوی پرداز. این نهضت قدیمی زهدآمیز انحرافی را کنار زد و گفت وقتی می‌خواهید خدا را بپرستید باید وظایف دنیاییتان را هم انجام دهید. این قضیه وقتی ایجاد شد روح سرمایه‌داری و اقتصاد هم در جامعه بهتر شد. پس وبر نظام اقتصاد سرمایه‌داری را محصول نهضت اصلاح کلیسا نمی‌داند و فقط به نقش نیروهای مذهبی در این قضیه تاکید می‌کند. یعنی روی اصل دین بحث نکرد و تنها رفتارها را مورد بررسی قرار داد. وبر به اصل مسیحیت کاری نداشت بلکه به رفتار کاتولیگ‌ها و پروتستانتیسم‌ها دقت کرد .



ژاک لوگوف

خود نظریات وبر در این زمینه از سوی مخالفینش نقد می‌شود. آقای ژاک لوگوف نظریه ماکس وبر را در این زمینه نقد کرده که آقای شیخوندی در فصل‌نامه علوم اجتماعی دوره دوم، شماره ۵ و ۶، صفحه ۲۵۰ نظریات آقای ژاک لوگوف را آورده است .

آقای ریموند آرون در کتاب مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی صفحه ۵۸۹ می‌گوید: ماکس وبر یک جامعه‌شناس تکامل‌گرا است اما نقش ماورایی دین را انکار نمی‌کند و یک تفسیر دنیایی از دین عرضه می‌کند. نقش ماورایی دین و نقش غیردنیایی دین را انکار می‌کند.

وبر این عقیده را داراست که خدا در مراحل ابتدایی بشر یک نیرویی تصور می‌شد که این فرآیندها و رخدادها و حوادث را کنترل می‌کند. حتی نام مشخص هم نداشت. به مرور زمان برای هر امر مهمی یک خدایی در نظر گرفتند. همان یونان قدیم شامل خدای زراعت، خدای باد، خدای باران و ... و سرانجام سیر تکاملی را خدا طی کرد تا با افزایش عقلانیت مردم جهان بیشتر دنیایی شد و دین بیشتر یک چیز درونی شد و هر کسی برای وجدان خودش دین دارد و دیگر دین بحث دنیایی و بحث اجتماعی آن کنار رفت.

آقای خسروپناه در کتاب خود یعنی انتظار بشر از دین صفحه ۱۸۱ نظرات وبر را نقد می‌کند و می‌گوید که مهم‌ترین نقد ما به ماکس وبر این است که علوم تجربی همان‌طور که در اثبات موجودات ماورای طبیعی ناتوان هستند در نفی آن‌ها هم توانایی ندارند. آقای وبر! خطای دیگر شما این است که همه جوامع را دارای ماهیت واحد تلقی می‌کنید و احکام یکسانی به همه نسبت می‌دهید. جامعه‌ای که بر اساس مبانی تفکری یک فرد دیگر است، جامعه‌ای که مبانی آن دینی و غیردینی است تفاوت دارند. جوامع مکاتب فکری آن‌ها تفاوت دارد. پس ما نمی‌توانیم همه رفتارها را با هم یک جور بسنجیم. شما نمی‌توانید رفتار مردم مسلمانی که در ترکیه با آن نظام لائیک هستند و بی حجاب، با قوانین کشور ما که قوانین اسلامی دارد را یکی بدانید.

آقای وبر میان ادیان ابتدایی و ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی و امثالهم هیچ تفاوتی نگذاشت. یعنی او فقط رفتارها را دید. اصلاً به ذات و اصل دین توجهی نداشت.

آقای وبر! تفسیری هم که از آموزه‌های دینی دارید به طور کامل مادی و دنیایی است. تفسیر ماورایی و الهی ندارید. شما حتی اسلام را دین طبقاتی معرفی کردید. اسلام یعنی همان دینی که یک شاه دارد باید برده هم داشته باشد. اسلام گرچه جنگ‌هایی داشته که همه دفاعی بوده، اما دستورات اسلام که همگی فقط بر مبنای جنگ نبود و بر مبنای جنبه‌های حیات بشری هم بود. در مباحث سیاسی، اقتصادی، مدنی و اجتماعی هم بود. شما همه را یکی بررسی کردید. در حقیقت استقرای ناقص کردید. اخلاق و رفتار یک عده را مشاهده کردید و بر اساس رفتار آن‌ها نظر دادید که کاملاً نادرست است.